



سه گانه معجزه آسای اخلاقی: راستگویی، امانتداری و وفای به عهد

از مهم ترین واجبات، امانتداری، وفای به عهد و راستگویی است که بودنش نشانه ایمان، و نبودنش علامت نفاق است و در اهمیت آن همین بس که خداوند متعال در قرآن مجید در مقام تعریف انبیا، آنان را با صفت «رسول امین» یا «ناصر امین» و «صادق الوعد» معرفی می کند. طبیعی است در کشوری که مردم وفای به عهد را وظیفه انسانی، اخلاقی و دینی خود بدانند و در مراعات آن کوشا باشند، تعهدات مالی و قراردادهای اقتصادی بر پایه اعتماد و اطمینان کامل شکل می گیرد و باعث رشد اقتصادی آن کشور و مایه سعادت مردم آن می گردد؛ زیرا بدهکار در وقت معین و مقرر، بدهی خود را می پردازد و فروشنده نیز کالا را برابر تعهدات خود تسلیم خریدار می کند و در نتیجه، چرخ اقتصاد به صورت منظم به حرکت خود ادامه می دهد.

امروزه، امانتداری در همه حرفه ها جایگاه راهبردی یافته و از مهم ترین توقعات افراد در تعامل شغلی است. عناصر محیط یک سازمان، بر اساس امانتداری نهادینه شده در آن سازمان به آن اعتماد می کنند. مشتریان، کارکنان، تأمین کنندگان و همه صاحبان حق، در تعامل با سازمان های کسب و کار، به امانتداری سازمان در قبال اموال، اسرار، اطلاعات، برند و سایر شؤون حرفه ای اهمیت می دهند. به همین دلیل، در منشور اخلاقی سازمان ها و عهدنامه اخلاقی صاحبان سهم و کارکنان، امانتداری اصلی مهم و جهان شمول است. همکاری عناصر محیط داخلی و بیرونی سازمان با آن، بر اساس الگوی سرمایه گذاری انجام می شود و سرمایه گذاری صرف کردن کنونی سرمایه به امید بازدهی سود در آینده است؛ بنابراین، سرمایه گذاری از خطرپذیری برخوردار است. آنچه معقولیت خطرپذیری را تأمین می کند، خصلت امانتداری سازمان است که در فرهنگ سازمانی آن نهادینه گردد. بنابراین، امانتداری سبب اعتماد آفرینی می شود و اعتماد آفرینی رمز و راز موفقیت در کسب و کار است.

تعهدات کارگر و کارفرما

در دوران صنعتی شدن، اصول اخلاقی اولیه بیشتر به نفع کارفرما تنظیم می شد؛ اما بیش تر از این منظر اصول اخلاقی مکتوب می شد، که کارگران متعهدانه و صادقانه با بهره وری بالا کار کنند؛ برای مثال، اصل سوم نخستین کد اخلاقی جهانی تعریف شده برای سازمان ها، تأکید بر وفادار بودن کارکنان به عهدی است که با کارفرما در قراردادهای کاری بسته اند. متن صریح آن در زیر آمده است:

سال 1957 نخستین کد اخلاقی / اصل سوم: «خدمت وفادارانه به کارفرما، انجام شرافتمندانه وظایف و مسؤولیت هایی که به وی به امانت سپرده شده است...»

اما کمی بعد، با رقابتی شدن شدید کسب و کارها و ارزش یافتن نیروی انسانی، به عنوان اصلی ترین مزیت رقابتی هر سازمان کدهای اخلاقی دوطرفه نوشته می شد و در ابتدای شروع به کار، تعهدات اخلاقی کارفرما نیز به سرمایه های انسانی شرکت ها اعلام می شد. پس از آن، سازمان ها تصمیم گرفتند علاوه بر تأکید بر مسؤولیت های اجتماعی بنگاه که جزء لاینفک کسب و کار محسوب می شد و تنظیم بیمان اخلاقی با کارکنان خود، پیامی از مسؤولیت های اخلاقی را نیز به جامعه ارائه کنند. اکنون سازمان ها مسؤولیت اجتماعی و کدهای اخلاقی خود را به عنوان مزیت های بلندمدتی در نظر می گیرند که ارزش بالایی برای زندگی در روی کره زمین ایجاد می کند. متن خلاصه شده زیر متعلق به شرکت بین المللی وال (Vale company) است:

سهامداران، مدیران و کارکنان این شرکت را ملزم به رعایت اصول اخلاقی می داند و به همه ذی نفعان؛ از جمله مشتریان و جامعه اعلام می دارد که اصول ما شامل موارد زیر است: حفظ احترام، مسؤولیت پذیری، وفای به عهد، راستگویی و امانتداری.

آثار دروغ

در گذشته تصور می شد، دروغگو را دروغگو تشخیص می دهد؛ اما دانش روانشناسی اثبات کرده است هرچه فرد در محیطی که صداقت و راستگویی در آن بیشتر باشد پرورش یابد، توانایی ادراک دروغگویی دیگران را بیشتر خواهد داشت و کسانی که در محیط های ریاکارانه و پر از دروغ رشد یافته اند، علاوه بر اینکه توانایی تشخیص دروغ را ندارند، توانایی تشخیص افراد صادق و درستکار را نیز نخواهند داشت. برای ایشان، دروغگویی، حُلف وعده و خیانت در امانت امری طبیعی است؛ اما فردی که در محیطی پاک و صادقانه پرورش یافته باشد، به محض برخورد با افراد ریاکار و متقلب، احساس مشکل خواهد کرد؛ زیرا نشانه های راستگویی را می شناسد. در حرکات بدن، شکل برخورد و مخصوصاً چشمان افراد راستگو، مشخصاتی متفاوت با افراد دروغگو هست (علم زبان بدن نیز این نکته را تأیید می کند). در همین راستا، سازمان ها نیز متوجه شده اند که اگر فضایی صادقانه برای کارکنان خود فراهم آورند، در ارتباطات بیرونی خود به پیمانی که می بندند وفادار باشند و در مسائل مالی خود امانتداری را در نظر بگیرند، قطعاً محیط کسب و کار آرامش و سودآوری بیشتری خواهد داشت و در غیر این صورت، باید وقت، هزینه و انرژی بسیاری صرف این کنند که مس

[Esmaili, 18.06.18 07:49]

اثر و مشکلات ناشی از دروغگویی، ریاکاری و خیانت در کسب و کار را حل کنند؛ به عبارت دیگر، می توان گفت که قوانین و کدهای اخلاقی امروز زاینده خیرخواهی جامعه جهانی نیست؛ بلکه دانشمندان حوزه رفتار سازمانی، پس از کوشش بسیار برای یافتن مسیر صحیح کسب و کار، متوجه شده اند که مسیری نادرست راه به جایی نخواهد برد. راستگویی در سخنان معصومین (ع)

آموخته هایی که از ۱۴۰۰ سال پیش توسط شیعیان به جهان عرضه می شد، امروز با سعی و خطاهای بسیار، علمی شده است تا زیر سایه این اصول، جهان جای بهتری برای زندگی باشد. امام صادق (ع) فرمود: «به رکوع و سجود طولانی افراد نگاه نکنید؛ بلکه به راستگویی و امانتداری آنها نگاه کنید.» همچنین، در حدیث دیگری از آن بزرگوار نقل شده است که فرمود: به راستی علی (ع) آن همه مقام را در نزد پیامبر اکرم (ص) پیدا نکرد؛ مگر به خاطر راستگویی و ادای امانت.

اما تفاوت عمق کلام در دین اسلام نسبت به تئوری های علمی و سازمانی، در نکته سنجی های عمیقی است که از کلام و احادیث برمی آید؛ برای مثال، با وجود فضیلت و ارزشی که راستگویی دارد؛ اما رسول اکرم (ص) آن را گاهی مایه دردسر، ضرر و فساد می داند. خیلی جالب است که حتی استثنائاتی که برای رفتار اخلاقی وجود دارد، در دین با ریزبینی تمام آمده است. حضرت محمد (ص) اشاره فرمودند مواقعی که گفتن حرف راست، منشاء بروز فتنه و درگیری و حتی قتل و خون ریزی می شود، راست گفتن واجب نیست:

حضرت محمد (ص): «راستگویی در سه چیز ناپسند است: سخن چینی، سخن گفتن با مرد دربار همسر او به چیزی که آن را زشت و ناپسند داند و تکذیب خبری که شخص می دهد.»

یا در مقام مثالی دیگر، امام صادق(ع) تنها صدق گفتار را کافی نمی دانند. ما در تجارت و کسب و کار امروزی شاهد این هستیم که گاهی قول راستی وجود دارد که منفعت و نیت مادی پلیدی در پس آن نهفته است. امام صادق(ع) می فرماید: «خداوند در روز قیامت مردم را برابر نیت هایشان محشور می کند.» همچنین، پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «خداوند به ظواهر و اعمال شما نگاه نمی کند؛ آنچه مورد توجه حق تعالی قرار می گیرد، درون دل های شماست.»

سه ویژگی مهم هر مسلمان

پیامبر(ص) در حدیثی از میان حدود هفتصد حکم نهي اعم از حرام، مکروه، و بی نهایت حکم مباح، واجب و مستحب، سه خصلت راستگویی، امانتداری و وفای به عهد را خصوصیات مسلمان می دانند؛ یعنی اهمیت این حکم اخلاقی ایجاب می کند هر مسلمانی تدبیر و تعمق کافی برای فهم آثار و برکات این ویژگی ها و با آثار سوء عدم پایبندی به این فرمان های بنیادی مبذول داشته، خود را حتی المقدور به این مکارم اخلاقی پایبند نماید. برای روشن شدن مطلب، مواردی از سیره نبوی(ص) را اشاره می نمایم: روزی پیامبر اعظم(ص) در کوچه ای ایستاده بودند که یکی از مسلمانان از ایشان سؤال کرد: «آیا تا من برگردم اینجا تشریف دارید یا خیر؟» فرمودند: «بلی.» اما آن مرد تا فردای آن روز مراجعت نمود! و پیامبر(ص) آنجا ماندند و حتی برای نماز جماعت یا دوری از آفتاب نیز جابه جا نشدند. زمانی که آن مرد مجدداً از آن مکان عبور می نمود، پیامبر(ص) به وی فرمودند: «چرا من را به زحمت انداختی؟» او در پاسخ با شرمساری عرض کرد که فراموش کردم، و حضرت فرمودند: «اگر خداوند تا قیامت به من عمر عطا می فرمود و تو باز نمی گشتی، از اینجا حرکت نمی کردم؛ چون به تو قول داده بودم که تا مراجعت تو اینجا بمانم!

بدیهی است اصل، معدن و شاخص صداقت، اهل بیت عصمت و طهارت(ع) هستند و طبق آیه تطهیر که سند معصومیت اهل بیت (ع) است «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» [احزاب/33]؛ «خدا می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنانکه باید، پاک دارد»؛ ایشان از هر پلیدی و ناپاکی مبرا هستند؛ چه رسد به دروغ که ریشه همه انحرافات و گناهان بزرگ و کوچک است. در خصوص امانتداری، امام سجاد(ع) فرمودند: «اگر شمر آن خنجری که سر پدرم را با آن برید، نزد من امانت بگذارد، بعد از من بخواهد، به او پس می دهم.» حال از خود می پرسیم که حال و روز ما در این شاخص های اخلاقی چگونه است؟ چقدر امانتدار هستیم؟ آیا دست و پا، جسم و فکر، روح، اموال، زن و فرزندان ما امانت الهی نزد ما نیستند؟ ما با این امانت ها چگونه رفتار می کنیم؟ آیا وقتی می گوئیم «الله اکبر» واقعاً خداوند را از همه چیز و همه کس بالاتر و مؤثرتر می دانیم؟ یا به هر محتاج و بنده ای چشم امید و گشایش داریم؟ آیا وقتی می گوئیم «ایاک نعبد و ایاک نستعین»، براسستی تنها خدا را می پرستیم و تنها از او یاری می جوئیم؟ شاید بهتر باشد که در مصادیق وفای به عهد و صداقت و در نحوه امانتداری نسبت به امانتی که در دست ماست، بیشتر بیندیشیم.

سخن آخر اینکه بدون رعایت اصول اخلاقی، جامعه دچار نقصانی است که با هیچ منفعت مادی و ارتباطی قابل جبران نیست. وظیفه همه ماست که در رفتارمان، راستگویی، امانتداری و وفای به عهد را در نظر بگیریم و به فرزندانمان بیاموزیم تا آینده این مرز و بوم، درخشان تر از وضعیت فعلی باشد و آیندگان ما در مملکتی زندگی کنند که دروغ گویی برایشان عجیب باشد، خیانت در امانت را به چشم ندیده باشند و به عهدی که می بندند، وفادار باشند.